



دبیرستان غیر دولتی دانشمند

(دوره اول)

ادبیات کلاس هفتم

دبیر: استاد طاهری



سال تحصیلی ۱۴۰۲-۱۴۰۳

تمارین درس ۱

۱- ابیات و عبارت های زیر را به فارسی روان بنویسید.

- (۱) ای هست گنِ اساس هستی کوته ز درت دراز دستی
- (۲) جهان جمله فروغ روی حق دان حق اندر وی ز پیدایی است پنهان
- (۳) غنچه هم گفت: «گرچه دل تنگم مثل لبخند باز خواهم شد»
- (۴) گفت: «جان پدر! تو نیز اگر بختی به از آن که کار آن جهان سازیم.
- ۵- ای کارگشای هر چه هستند نام تو، کلید هر چه بستند
- ۶- الهی! دلی ده که در کار تو جان بازیم: جانی ده که کار آن جهان سازیم.
- ۷- تا افق های دور کوچ کنم باز پیغمبر بهار شوم

۲- معنای واژه های مشخص شده را در مقابل آن ها بنویسید.

- (۱) هم تو به عنایت الهی:
- (۲) از ظلمت خود، رهایی ام ده:
- (۳) دست گیر که دست آویز نداریم:
- (۴) فارغ از سنگ بچه ها باشم:
- (۵) کاش روزی به کام خود برسید:
- (۶) دیده بر هم نبسته و مصحف عزیز بر کنار گرفته:
- (۷) چنان خواب غفلت برده اند:

۳- جاهای خالی را پر کنید.

(۱) آثار نظامی عبارت اند از : مخزن الاسرار،،، هفت پیکر،

(۲) خواجه عبدالله انصاری معروف به شاعر قرن و به زبان های فارسی و شعر می سرود.

(۳) « در کوچهٔ آفتاب»،، و « به قول پرستو» از آثار می باشد.

(۴) سعدی نثر آمیخته به شعر است و باب دارد.

۴- هر یک از آرایه های ذکر شده را در عبارت های زیر بیابید.

(۱) ای کارگشای هر چه هستند نام تو کلید هر چه بستند (تشبیه)

(۲) ای هست گنِ اساسِ هستی کوتاه ز درت دراز دستی (کنایه)

(۳) جان پدر! تو نیز اگر بختی به از آن که در پوستین خلق افتی. (کنایه)

(۴) غنچه هم گفت: « گر چه دل تنگم مثل لبخند باز خواهم شد» (تشبیه، تشخیص، کنایه)

(۵) از اینان یکی سر بر نمی دارد که دوگانه ای بگزارد، چنان خواب غفلت برده اند که گویی نخفته اند که مرده اند. (تشبیه، کنایه)

۵- هر یک از عبارت های زیر از چند جمله تشکیل شده است؟ جملات را مشخص کنید.

(۱) کاش روزی به کام خود برسید بچه ها! آرزوی من این است.....

(۲) ای نام تو بهترین سر آغاز بی نام تو، نامه کی کنم باز؟

(۳) الهی، دلی ده که در کار تو جان بازیم، جانی ده که کار آن جهان سازیم.

(۴) جهان، جمله فروغِ رویِ حق دان حق اندر وی ز پیدایی است پنهان

۶- مفهوم درست هر عبارت را مشخص کنید.

- | | | |
|--------------------------|----------------------|----------------------|
| (۱) ز گرد راه رسید. | گرد و غبار آمد. | از راه رسید. |
| (۲) شب خیز بودم. | شب زنده دار بودم. | سحر خیز بودم. |
| (۳) دو گانه ای بگزارد. | دو سوره قرآن بخواند. | نماز دورکعتی بخواند. |
| (۴) در پوستین خلق، افتی. | غیبت کنی. | دروغ بگویی. |
| (۵) دل تنگم. | نالامید هستم. | غمگین هستم. |

۷- نمودار گرافیکی قالب چهار پاره را رسم کنید.

۸- هم خانواده هر کلمه را به آن وصل کنید. (سه کلمه اضافی است.)

.....

(۱) طفولیت تعلّم

(۲) متعبّد عابد

(۳) فارغ بعید

(۴) قریب فراغت

(۵) معلّم غریب

(۶) افق تقربّ

اطفال

فائق

آفاق

درسنامه درس ۲

انواع جمله: جمله ها از نظر لحن و محتوا به چهار دسته تقسیم می شوند.

الف) جمله خبری: جمله ای است که خبری را به مخاطب می رساند.

در پایان جمله های خبری از نقطه (.) استفاده می شود.

مثال « علی به مدرسه رفت. باز هم در کلاس غوغا شد.

ب) جمله پرسشی (سؤالی): جمله ای است که در آن سؤالی مطرح می شود.

در پایان جمله های پرسشی از علامت سؤال (؟) استفاده می شود.

مثال « آیا علی به مدرسه رفت؟ آیا بود که گوشه چشمی به ما کنند؟

جمله عاطفی (تعجبی): جمله ای است که نشان دهنده عواطف، احساسات و شگفتی گوینده است.

در پایان جمله های عاطفی از علامت تعجب (!) استفاده می شود.

مثال « چه گل زیبایی! آرزوهایتان چه رنگین است!

د) جمله امری (دستوری): جمله ای است که در آن انجام کاری از مخاطب خواسته می شود.

در پایان جمله های امری از نقطه (.) استفاده می شود.

مثال « لطفاً تکلیف هایت را بنویس. آن جا قدمم رسان.

کلمات هم خانواده: کلماتی هستند که دارای حروف اصلی مشترکی می باشند و معنای آن ها نزدیک به هم است. (به واژه

های هم ریشه که ارتباط معنایی با یکدیگر دارند، واژه های هم خانواده می گویند.)

نکته ...

ترتیب قرار گرفتن حروف اصلی نیز بسیار مهم است. مثلاً دو کلمه عالم و با عامل با یکدیگر هم خانواده نیستند؛ زیرا سه

حرف اصلی آن ها به ترتیب عبارت اند از : (ع، ل، م) و (ع، م، ل)

تمرین درس ۲

۱- ابیات و عبارت های زیر را به فارسی روان بنویسید.

(۱) برگ درختان سبز، در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است. معرفت کردگار

(۲) کژال به دنبال او زمین را خیش می کشید، مویه می کرد و روناک را صدا می زد.

(۳) با زبان سبز و با دست دراز از ضمیر خاک می گویند راز

۲- معنای واژه های مشخص شده را بنویسید.

(۱) سرهای نهال های جوان خویش را به نشانه احترام و وداع با من خم کرده بود.

(۲) آب این روح مذاب امید، با گام های استوار و امیدوار شتابان می رفت.

(۳) هم اکنون چشمه های معرفت از درون من سر باز خواهند کرد.

(۴) این درختانند همچون خاکیان دست ها بر کرده اند از خاکدان

(۵) گویی با هر یک از آنان آشنایی دیرینه دارم.

(۶) فدای تو، روله شیرینم

(۷) کمی بعد، دست و پای گرگ از تقلا افتاد.

(۸) آزاد معطل نماند.

۳- عبارت زیر را در مورد «علی شریعتی» با انتخاب درست، کامل کنید.

«نویسنده و اندیشمند (قرن هفتم - معاصر)، فرزند استاد محمد تقی شریعتی بود. وی در (مزینان - توس) خراسان به دنیا آمد. کتاب های (به قول پرستو- کویر)، (فاطمه، فاطمه است - به هوای گل سرخ)، (اسلام شناسی - سیری در نهج البلاغه) از آثار اوست.»

۴- جاهای خالی را پر کنید.

« طاهره ایبدر چشم به جهان گشود. از نویسندگان معاصر است. در زمینه ادبیات»

دارای آثاری است و از آثار اوست.»

۵- در عبارت های زیر، آرایه های خواسته شده را بیابید. (در مورد هر یک توضیح مختصری دهید)

(۱) نسیم مانند مادری مهربان و آداب دان، به کودکان خویش حق شناسی می آموزد. (تشبیه - تشخیص)

(۲) برگ درختان سبز، در نظر هوشیار هر ورقش دفتری است، معرفت کردگار (تشبیه - تناسب)

(۳) بر روی سبزه ها و کشته های سبراب، درختان سرسبز باغ و صحرا را دیدم که شاخه دست های خویش را به آسمان برافراشته بودند و دعا می کردند. (تشخیص - تناسب - تشبیه)

(۴) با نگاه های کنجکاوانه و تشنه، به درس بزرگ طبیعت می نگریستم. گوش می دادم، چشم می دادم، دل می دادم و روحم چنان غرق فهمیدن بود که از هیجان می لرزید. (کنایه - تناسب - تشبیه)

(۵) کودکان پرنشاط گل بوته ها و نوجوانان امیدوار ذرت ها در گوش نسیم، آمین می گفتند. (تشبیه - تشخیص)

(۶) سنگ ها و ریگ های اطراف چشمه، زیر گالش های لاستیکی کژال تکان می خوردند و بیدار می شدند. (تناسب - تشخیص)

(۷) روناک مثل برّه ای، دست هایش را در هوا تکان می داد. گردنش به عقب خم شده بود و صدای نازک گریه اش، سنگ های بیابان را می خراشید. (کنایه - تشبیه)

(۸) نفس داغ گرگ، یکباره سرد شد. (کنایه - تضاد)

۶- نوع جمله های زیر را بنویسید و در آخر آن ها علامت مناسب بگذارید.

(۱) با نگاه های کنجکاوانه و تشنه، به درس بزرگ طبیعت می نگریستم

(۲) به خالق این زیبایی ها ببیندیش

(۳) مهاجم تیم ملی چند گل را وارد دروازه کرد یا یا

(۴) نظر معلّم درباره دانش آموزان چه بود

(۵) زندگی یعنی چه / مادرم سینی چایی در دست / گل لبخندی چید /

هدیه اش داد به من

۷- مفرد کلمه های داده شده را پیدا کنید و بنویسید. (چهار کلمه اضافی است.)

مدعی - قوه - تقویت - دعا - طفولیت - شکل - طفل - تشکل

(۱) اطفال:

(۲) قوا:

(۳) ادعیّه:

(۴) أشكال:

< فعل

فعل: مهم ترین بخش هر جمله، فعل است. فعل ها معنای جمله را کامل می کنند. فعل ها کلمه هایی هستند که انجام کاری یا روی دادن حالتی را نشان می دهند. فعل ها دارای ویژگی هایی هستند:

۱- شخص ۲- زمان ۳- شمار که در درس های آینده به طور کامل با آن ها آشنا خواهیم شد.

➤ زبان و ادبیات

چنان چه خواهیم مقصود خود را به مخاطب برسانیم از زبان استفاده می کنیم. اما اگر خواهیم مقصود خود را زیباتر و تأثیر گذارتر بیان کنیم از آرایه های ادبی استفاده می کنیم که در این صورت از ادبیات بهره گرفته ایم.

مثال « به طبیعت می نگریستم. (جملهٔ زبانی)

به درس بزرگ طبیعت می نگریستم. (جملهٔ ادبی)

نکته: به این بیت توجه کنید:

< ای خدا ای فضل تو حاجت روا با تو یاد هیچ کس نبود روا

(روا در مصراع اول: جاری شدن / برآورده شدن)

(روا در مصراع دوم: شایسته بودن / سزاوار بودن)

دو کلمهٔ روا در حکم قافیه هستند.

هر گاه دو کلمه در انتهای هر مصراع بیایند که دقیقاً مانند یکدیگر نوشته و خوانده شوند اما معنای آن ها متفاوت باشد در حکم قافیه هستند نه ردیف.

مثال «

< خرامان بشد سوی آب روان چنان چون شده باز یابد روان

نکتهٔ ادبی « قافیه: روان - روان / ردیف: ندارد

در این بیت نیز کلمهٔ روان در هر مصراع معنای متفاوتی دارد.

در مصراع اول روان به معنای جاری بودن و در مصراع دوم به معنای روح و روان است.

تمرین های درس ۳

۱- ابیات و عبارت های زیر را به فارسی روان بنویسید.

- (۱) از خدا جوییم، توفیق ادب بی ادب، محروم شد از لطف رب
(۲) منتظران بهار فصل شکفتن رسید مژده به گل ها برید یار به گلشن رسید
(۳) قطره دانش که بخشیدی ز پیش متصل گردان به دریا های خویش

۲- با توجه به واژه های داده شده، کدام معنا درست نیست ؟

- (۱) استحکامات (موانع دفاعی - محکم بودن - بناهایی برای دفع دشمنان)
(۲) حریص (آزمند - طمع کار - حسود)
(۳) به رغم (بر اساس - برخلاف - وارونه)
(۴) رستگاری (رهایی - نجات یافتگی - نجات بخش بودن)
(۵) افق (کرانه - ناحیه - غروب)
(۶) غیرت (مردانگی - آبرو - تعصب)
(۷) همت (قصد - بزرگی - اراده)
(۸) استعداد (هوش - توانایی - قابلیت)
(۹) مایه (باعث - جاری - سبب)
(۱۰) توفیق (سازگاری - پیروز - موافقت)
(۱۱) حاجت (امید - نیاز - نیازمندی)

۳- درستی یا نادرستی عبارت های زیر را در مورد مولوی مشخص کنید. درست نادرست

(۱) جلال الدین محمد بلخی از شاعران و عارفان قرن ششم هجری قمری است.

(۲) از آثار او می توان به دیوان شمس و فیه مافیه اشاره کرد.

۴- در عبارت های زیر، آرایه های خواسته شده را بیابید. (برای هر یک توضیح کوتاهی بنویسید)

(۱) امروز در دنیا وضع شما با یک سال پیش از زمین تا آسمان تفاوت کرده است. (کنایه - تضاد)

(۲) جوان و نوجوان، چشمه جوشان نیرو و استعداد است. (تناسب - تشبیه)

(۳) قطره دانش که بخشیدی ز پیش متصل گردان به دریاهاى خویش (تناسب - تشبیه)

(۴) منتظران بهار، فصل شکفتن رسید مژده به گل ها برید، یار به گلشن رسید (تشخیص - تناسب)

۵- ریشه (حروف اصلی) هر گروه از کلمه های زیر را بنویسید.

(۱) علوم، معلوم، تعلیم:
(۲) محقق، تحقیق، حقوق:

۶- در هر یک از عبارت های زیر، چند فعل به کار رفته است؟

(۱) همه آن چه در تحلیل های دشمنان این ملت و این کشور به عنوان نقطه مرکزی مشاهده می شود.

این است که این نسل جوان و پرشور و آینده ساز را از راه های مختلف برای ساختن ایران آباد و آزاد و مؤمن و پاکیزه آینده، ناتوان کنند، اما به رغم تلاش های دشمنان، واقعیت، عکس این است.

(۲) ما زندگی را با نظری دیگر می نگریم، زندگی به خوردن و خفتن و راه رفتن نیست.

(۳) ایمان و پاکدامنی تان را حفظ کنید. درستان را خوب بخوانید و جوانی تان را قدر بدانید؛ این نیرو و نشاط باید در راه به دست آوردن این ارزش های والا خرج شود.

نهاد: کلمه یا گروه کلماتی است که انجام کاری و یا داشتن حالتی در جمله، به آن نسبت داده می شود.
روش پیدا کردن نهاد: کافی است از فعل جمله عبارت « چه کسی » یا « چه چیزی » پرسیده شود. پاسخ، نهاد جمله خواهد بود.

چه کسی یا چه چیزی + فعل ---> نهاد

نهاد

مثال « علی به مدرسه رفت. چه کسی رفت؟ ---> علی

نکته ... گاهی در شعرها یا نثرهای قدیمی ممکن است نهاد در وسط جمله قرار بگیرد.

مثال (۱) زنگ تفریح را که زنجره زد

مثال (۲) راستی کن که به منزل نرسد کج رفتار

نهاد

مثال « زنگ تفریح را که زنجره زد. چه کسی زد؟ ---> زنجره

نهاد

مثال « به منزل نرسد کج رفتار. چه کسی نرسد؟ ---> کج رفتار

در سال هشتم با بحث هسته و وابسته های اسم (هسته) آشنا خواهیم شد و متوجه می شویم که تنها هسته گروه اسمی که در جایگاه نهاد قرار گرفته، نهاد خواهد بود.

به همین دلیل در سال هفتم می توانیم نهادهایی را که بیش از یک کلمه هستند، گروه نهادی بنامیم.

مراعات نظیر (تناسب): این آرایه پر کاربردترین آرایه ادبی در ادبیات فارسی است و عبارت از آوردن واژه هایی از یک دسته یا گروه که با هم مناسبت دارند.

مثال « بسی تیر و دی ماه و اردیبهشت برآید که ما خاک باشیم و خشت

تناسب میان تیر و دی و اردیبهشت / خشت و خاک

مثال « تا کی آخر چو بنفشه سر غفلت در پیش حیف باشد که تو در خوابی و نرگس بیدار

تناسب بین بنفشه و نرگس

تمرین های درس ۴

۱- در هر بیت، مفهوم قسمت مشخص شده، چیست؟

- | | |
|---------------------------------------|--------------------------------|
| (۱) هر چه سرما و هر چه <u>دل سردی</u> | پر زد آهسته از نظر گم شد |
| (۲) مثل یک شاخه گل، جوانه بزن | مثل یک چشمه سار <u>جاری شو</u> |
| (۳) روشن و گرم و <u>زندگی پرداز</u> | آسمان، مثل یک تبسم شد |
| (۴) زندگی بر تو می زند لبخند | هست وقت <u>شکفتنت</u> امروز |

۲- در هر مورد دور معنای نادرست خط بکشید.

- (۱) تبسم (لبخند زدن - خنده از ته دل)
- (۲) بصیرت (بینایی - آگاهی - هوشیار)
- (۳) استقلال (وابسته نبودن - تنها بودن - به خود متکی بودن)
- (۴) کیمیا (نادر - کمیاب - طلا)
- (۵) اندرز (شکاف - پند - نصیحت)
- (۶) فراز (بلندی - فرود - طرف بالای هر چیز)
- (۷) تأمل (کارکردن - اندیشه کردن - درنگ کردن)
- (۸) حسرت (دریغ - افسوس - افسوس)

۳- هر یک از عبارت های زیر را از نظر آرایه های ادبی بررسی کنید.

- (۱) زندگی را از شکوفه های محبت و امید به آینده، سرشار می سازد.
- (۲) کتاب پر راز و رمز آفرینش و شگفتی های طبیعت، سرشار از درس ها و اندرزهاست.
- (۳) مثل یک شاخه گل، جوانه بزن
- (۴) بر درختی، شکوفه ای خندید
- مثل یک چشمه سار، جاری شو
- در کتابی، بهار، معنا شد

۴- آرایه به کار رفته در هر بیت را مشخص کنید؟ توضیح مختصر دهید.

- (۱) زندگی بر تو می زند لبخند هست وقت شکفتن امروز (تشبیه - تشخیص)
(۳) پرستار امرش همه چیز و کس بنی آدم و مرغ و مور و مگس (تشخیص - تناسب)

۵- کلمه های هم خانواده را به هم وصل کنید. (دو کلمه اضافی است.)

.....	
(۱) متقارن	رغبت
(۲) راغب	خلاق
(۳) واصل	تبسم
(۴) متوسط	وسایل
(۵) اشعار	شارع
(۶) متبسم	قرین
(۷) خالق	واسطه
	وصل

۶- در عبارت های زیر، نهاد (ها) را مشخص کنید.

- (۱) منتظران بهار، فصل شکفتن رسید
(۲) باز چشم جوانه ای باشد
(۳) مثل یک شاخه گل، جوانه بزن
(۴) هر چه سرما و هر چه دل سردی پر زد آهسته از نظر گم شد

۷- با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«با بهاری که می رسد از راه سبز شو، تازه شو، بهاری شو»

۱) بیت از چند جمله تشکیل شده است؟

۲) جمله ها از چه نوعی هستند؟

۸- نمودار قرار گرفتن قافیه را در شعر « با بهاری که می رسد از راه، رسم کنید.

مفعول: کلمه یا گروه کلماتی است که کار بر روی آن واقع می شود.

نکته ...

(۱) برخی از فعل ها احتیاجی به مفعول ندارند که اصطلاحاً به آن ها لازم (ناگذر) می گویند. مانند: خوابید، رفت، ایستاد، نشست، مرد، خندید...

(۲) برخی از فعل ها به مفعول احتیاج دارند که اصطلاحاً به آن ها متعدی (گذرا) می گویند. مانند: شناخت، آورد، برد، خواند، خرید، برداشت و ...

روش پیدا کردن مفعول: برای پیدا کردن مفعول کافی است فعل جمله را مشخص کنیم و سپس از آن بپرسیم چه کسی را یا چه چیزی را + پاسخ، مفعول جمله را مشخص می کند.

< در زبان فارسی معیار معمولاً مفعول همراه با حرف « را » می آید. مفعول

مثال « من لباس هایم را پوشیدم. چه چیزی را پوشیدم؟ ---> لباس هایم را

نکته...

گاهی ممکن است مفعول بدون حرف « را » بیاید که در این صورت هم باز از همان فرمول بالا برای پیدا کردن مفعول استفاده می کنیم. مفعول

مثال « کبوتر دانه بر می چیند. چه چیزی را بر می چیند؟ ---> دانه را

نکته ...

گاهی در شعرها یا نثرهای قدیمی حرف « را » نشانهٔ مفعول نیست؛ بلکه حرف اضافه است و به معنی « به » یا « برای » آمده است.

مثال « مرا آموخت علم زندگانی. یعنی به من علم زندگانی را آموخت. در این مثال من (م) نقش متمم دارد که در درس آینده با آن آشنا خواهیم شد.

مفعول

چه چیزی را آموخت ---> علم زندگانی را

آرایهٔ تکرار: آوردن دو یا چند کلمه در یک عبارت یا بیت به گونه ای که بر موسیقی کلام بیفزاید و تأثیر سخن را بیشتر کند.

مثال «قلب کوچولوی کوچولوی کوچولو

مثال «گر برود جان ما در طلب وصل دوست حیف نباشد که دوست، دوست تر از جان ماست

مثال «من آب آب و باغ باغم ای جان هزاران ارغوان را ارغوانم

نکته...

کلمه یا کلمه های تکرار شده باید معنای یکسانی داشته باشند.

سوالات تشریحی درس ششم قلب کوچکم را به چه کسی بدهم؟

۱- کلمات هم معنی را به یکدیگر وصل کنید. (در ستون سمت چپ ۳ کلمه اضافی است).

.....	
گلّه مندی	(۱) سرشار
جایز	(۲) حلال
کوتاهی	(۳) قیاس
جنگ	(۴) خَجَل
ناچیز	(۵) ولو
پخش	(۶) تقصیر
شرمنده	(۷) شکایت
عطوفت	
سنجیدن	
لبریز	

نادرست درست

..... ۲- درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید.

(۱) کتاب های «به قول پرستو» و «خانه ای برای شب» به نادر ابراهیمی تعلّق دارد.

(۲) کتاب «سه دیدار با مردی که از فراسوی باور می آمد» درباره زندگی امام خمینی (ره) است.

(۳) «تذکره الاولیا» و «منطق الطیر» از آثار عطار نیشابوری است.

۳- در بیت های زیر، واژه هایی را که به وجود آورنده آرایه تکرار هستند، مشخص کنید.

- (۱) عشق شوری در نهاد ما نهاد
جان ما در بوته سودا نهاد
- (۲) زلف او دام است و خالشی دانه آن دام و من
بر امید دانه ای افتاده ام در دام دوست
- (۳) آورد بوی زلف توام باد، زنده باد
زآشفته‌گی نمود مرا شاد، زنده باد

۴- در عبارت های زیر، آرایه های خواسته شده را بیابید و آن ها را مشخص کنید.

- (۱) قلب آدم اگر خالی بماند، مثل یک گلدان خالی، زشت است و آدم را اذیت می کند.
(تشبیه - تشخیص)
- (۲) بگیر ای جوان دست درویش پیر
نه خود را بیفکن که دستم بگیر (کنایه - تضاد)

۵- مفعول را در هر یک از عبارت های داده شده بیابید.

- (۱) پی افکندم از نظم کاخی بلند
- (۲) دست ها بر کرده اند از خاکدان
- (۳) در چمن آمد غزلی نغز خواند
- (۴) بعد از مدت ها که فکر کردم، تصمیم گرفتم قلبم را بدهم به مادرم، تمام قلبم را، تمام تمامش را بدهم به مادرم؛ و این کار را هم کردم ...

۶- نقش دستوری واژگان تعیین شده را بنویسید.

- (۱) زبان از دهان بیرون آورد.
- (۲) بیفشان از وضو بر رویم آن آب
- (۳) او همواره در وقت طلوع خورشید به افق می نگرد و زیبایی های خلقت آفریدگار را می ستاید.
- (۴) باقی قلبم را می بخشم به همه آن هایی که جنگیدند و دشمن را از خاک ما انداختند بیرون.

۷- با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

«این زندگی، حلال کسانی که همچو سرو آزاد، زیست کرده و آزاد می روند»

(۱) معنی بیت را بنویسید.

(۲) منظور از عبارت مشخص شده چیست؟

(۳) بیت بالا با کدام یک از ابیات زیر تناسب معنایی دارد؟

< هر دل که از آن نگار خالی است باغی است که از بهار خالی است

< گر نباشی به سان نخل کریم باش باری به مثل سرو آزاد

متمّم: کلمه یا گروهی از کلمات است که باعث کامل تر شدن معنای جمله می شود. به عبارت دیگر، فعل این گونه جملات به متمّم نیاز دارد.

برخی از این فعل ها عبارت اند از: ترسید، جنگید، پرسید، رنجید و ...

نکته ...

متمّم ها بعد از حروف اضافه می آیند. به عبارت دیگر نشانه متمّم حرف اضافه است.

حروف اضافه عبارت اند از : به، با، بر، برای ، در، مانند، از ...

مثال « علی با دوستش صحبت کرد.	ز	وحشت، سست شد بر جای، ناگاه
حرف متمّم	حرف	متمّم
اضافه	اضافه	حرف متمّم
		اضافه

نکته ...

گاهی حرف « را » به معنای « به »، « برای » و « از » می آید که در این صورت حرف را نشانه مفعولی نیست و کلمه قبل از « را » متمّم محسوب می شود.

مثال « تو را پرواز، بس زود است و دشوار را به معنای « برای » آمده است.

متمّم

مرا آموخت علم زندگانی را به معنای « به » آمده است

متمّم

جابه جایی ارکان جمله: گاهی اوقات در شعر یا نثر، برخی از ارکان جمله مثل (نهاد، فعل، مفعول، متمّم و ...) با یکدیگر جابه جا می شوند که این جابه جایی سبب زیباتر شدن نوشته می شود. در فارسی معیار امروزه معمولاً نهاد در ابتدا جمله و فعل در انتها قرار می گیرد. اما گاهی به ضرورت شعر این موضوع رعایت نمی شود.

مثال « نگردد شاخک بی بُن، برومند شاخک بی بن برومند نگردد.

فعل نهاد

نگشت آسایشم یک لحظه دمساز آسایش یک لحظه دمساز من نگشت

فعل نهاد

پرسش های تشریحی درس هفتم

۱- ابیات و عبارت های زیر را به فارسی روان بنویسید.

(۱) فتاد از پای، کرد از عجز فریاد ز شاخی مادرش آواز در داد

(۲) تو را توش هنر می باید اندوخت حدیث زندگی، می باید آموخت

(۳) آن دست که زیر سر مادرم بود، خون اندر آن خشک شده بود. گفتم: «ای تن، رنج از بهر خدای بکش».

(۴) نگشت آسایشم یک لحظه دمساز گهی از گربه ترسیدم گه از باز

۲- معنای درست واژه های زیر را مشخص کنید.

(۱) برزن (کوچه - شهر) (۲) دمساز (موافق - مخالف)

(۳) عجز (نادانی - ناتوانی) (۴) فتنه (آشوب - حکایت)

(۵) نوکار (باتجربه - تازه کار) (۶) بخسب (بخواب - برخاست)

(۷) توش (نقد - خوراک) (۸) برومند (قوی - پربار)

۳- در هر یک از عبارت های زیر، یکی از آرایه های داخل کمانک به کار رفته است. مشخص کنید کدام آرایه و در کجا به کار رفته است.

(۱) فتاد از پای، کرد از عجز فریاد ز شاخی مادرش آواز در داد (کنایه - تضاد)

(۲) تو را توش هنر می باید اندوخت حدیث زندگی، می باید آموخت (تشبیه - تناسب)

(۳) آن دست که زیر سر مادرم بود، خون اندر آن خشک شده بود. گفتم: «ای تن، رنج از بهر خدای بکش». (تشخیص - تشبیه)

(۴) من این جا چون نگهبانم تو چون گنج تو را آسودگی باید مرا رنج (تضاد - تشخیص)

۴- در هر یک از ابیات زیر، متمم ها را مشخص کنید.

- | | |
|-----------------------------------|----------------------------------|
| (۱) نگشت آسایشم یک لحظه دمساز | گهی از گربه ترسیدم گه از باز |
| (۲) ساقیا آمدن عید مبارک بادت | وان مواعید که کردی مرواد از یادت |
| (۳) هجومِ فتنه های آسمانی | مرا آموخت علم زندگانی |
| (۴) فتاد از پای، کرد از عجز فریاد | ز شاخکی مادرش آواز در داد |

۵- تفاوت معنایی کلمه «باز» را در عبارت های زیر بررسی کنید.

- | | |
|--|--------------------------------------|
| (۱) <u>باز</u> بارانی که ساعت هاست می بارد / زین سیاه ساکت دلگیر / قطره ها پیوسته همچون حلقه زنجیر | |
| (۲) نگشت آسایشم یک لحظه دمساز | گهی از گربه ترسیدم گه از <u>باز</u> |
| (۳) سیمرغ و عقاب و <u>باز</u> و شاهین | ذکر تو کند در آشیان |
| (۴) کبوتر بچه ای با شوق پرواز | به جرئت کرد روزی بال و پر <u>باز</u> |

درس نامه (درس ۸) زندگی همین لحظه هاست

فعل اسنادی: فعلی است که وقوع کاری را نشان نمی دهد، بلکه برای نسبت دادن چیزی به چیز دیگر به کار می رود.

مثال « هوا سرد است».

فعل اسنادی

افعال اسنادی عبارت اند از: است، بود، شد، گشت، گردید و ...

* نکته ...

دو فعل گشت و گردید زمانی فعل اسنادی محسوب می شوند که در معنای شدن به کار رفته باشند و در غیر این صورت فعل اسنادی نیستند.

مثال « زمین به دور خورشید می گردد» (در معنای چرخیدن یا گردش کردن است).

فعل اسنادی

مثال « هوا سرد می گردد» (می شود)

فعل اسنادی

* نکته ... فعل های «است» و «بود» چنان چه به معنی « وجود داشتن» باشند، فعل اسنادی نیستند.

هوا گرم <u>است</u> .	ناظم در مدرسه <u>است</u> (وجود دارد)	او خوشحال <u>بود</u> .
فعل اسنادی	فعل اسنادی	فعل اسنادی

کتاب در کتاب خانه بود (وجود داشت)

فعل اسنادی

رباعی: قالب شعری است که چهار مصراع دارد. که رعایت قافیه در مصراع های اوّل، دوم و چهارم الزامی است و در مصراع سوم اختیاری است.

مهم ترین شاعران این قالب: خیّام، عطار و مولوی

نمودار قرار گرفتن قافیه در این قالب

شعر:

*-----

*-----

* -----

&-----

موفق باشید

سوالات تشریحی درس هشتم

زندگی همین لحظه هاست

۱- مترادف واژه های مشخص شده را بنویسید.

(۱) سنگ مزارها را خواند و به حیرت فرو رفت.

(۲) اگر پولشان گم شود، دل آزرده می شوند.

(۳) ... نشان از قامت رِنا تو بینم.

(۴) یک دم آرام نگرفتم، در تک و دو بودم.

(۵) مدت حیات صاحبان قبور که بر روی سنگ ها حک شده بود.

(۶) از کتاب فروشی دم بازار یک دفترچهٔ صدربرگ کاهی خریدم.

(۷) از دست دادن فرصت ها جز غصه و اندوه چیزی همراه ندارد.

۲- درستی یا نادرستی عبارت های زیر را تعیین کنید.

درست نادرست

(۱) واژهٔ «تأمل» به معنای «اندیشیدن» و واژهٔ «عبرت» به معنای «پندگرفتن» است.

....

(۲) واژه های «غفلت» و «خفتن» با یکدیگر مترادف اند.

....

(۳) کلمهٔ دقایق جمع دقیقه و کلمهٔ اعظم جمع عظیم است.

....

۳- متن زیر در مورد عباس اقبال آشتیانی است. با انتخاب درست کلمات آن را کامل کنید.

«وی یکی از نویسندگان، محققان و مورخان معاصر است. از آثار او می توان به (تاریخ مغول - اسلام شناسی) و
(سه دیدار با مردی که از فراسوی باور ما می آمد - وزرای سلاجقه) اشاره کرد.»

۴- در هر یک از عبارت های زیر، آرایه های خواسته شده را بیابید.

(۱) به دریا بنگرم، دریا تو بینم به صحرا بنگرم، صحرا تو بینم (تکرار)

(۲) یک هو، بی بی از کوره در رفت و دادش بلند شد. (کنایه)

(۳) فرصت ها مثل گذشتن ابرها می گذرند، فرصت های خوب و عزیز را دریابید. (کنایه - تشبیه)

(۴) زندگی مجموعه ای از روزها، ماه ها و سال هاست؛ روزهایی که به شتاب می گذرند و هرگز باز نمی گردند. (مراعات نظیر - تشخیص - تضاد)

۵- نمودار قرار گرفتن قافیه در قالب رباعی را رسم کنید. نام دو شاعر بزرگ این قالب را بنویسید.

۶- در عبارت های زیر، فعل های اسنادی را مشخص کنید.

(۱) این ها جزء زندگی است، مخصوصاً اگر با تأمل و فکر و عبرت همراه باشد.

(۲) وقتِ ظهر شد. صدای اذان می آمد. آب و هوای اصفهان بد نیست.

(۳) ساعاتی که در مصاحبت دوستان می گذرد یا برای گردش و ورزش و بازی های تفریحی مصرف می شود. در ردیف اوقات تلف شده نیست.

۷- در عبارت های زیر، مفهوم قسمت مشخص شده را بنویسید.

(۱) یک هو، بی بی از کوره در رفت.

(۲) تا این که از زبان افتادم و دیدم بی بی خوابش برده و دارد هفت پادشاه را خواب می بیند.

(۳) خوشی واقعی، دل های دیگران را شاد کردن، گره از کار دیگران گشودن و با دیگران خندیدن است.

(۴) بر نامده و گذشته، بنیاد مکن حالی خوش باش و عمر بر باد مکن

(۵) وارد اصفهان که شدیم، دلم بنا کرد به پرپرزدن.

مسند: پیش از این گفته شد که افعالِ اسنادی نشان دهندهٔ انجام کاری نیستند بلکه تنها حالتی را به نهاد نسبت می دهند. به این حالتی که به نهاد نسبت پیدا می کند مسند می گویند.

هوا سرد است.

مسند

روش پیدا کردن مسند: برای این کار کافی است از عبارت روبه رو استفاده شود: چه / چه جور / چگونه + فعلِ اسنادی پاسخ این سؤال، مسند را مشخص می کند.

مسند

هوا سرد است. چه جور است؟ <---- سرد

مسند

نگشت آسایشم یک لحظه دمساز چه جور نگشت؟ <---- دمساز

مسند

نگردد شاخک بی بن برومند چگونه نگردد؟ <---- برومند

۱- معنی درست واژه های زیر را مشخص کنید.

- (۱) شیفته (عاشق - معشوق - عشق)
- (۲) حجره (اتاق کوچک - مهجور - دور)
- (۳) اطاعت (علاقه - تبعیت - عبادت)
- (۴) عطش (بی میلی - تشنگی - گرسنگی)
- (۵) ترقّی (گسترش دادن - وسعت - بالارفتن)

۲- کلمه های هم خانواده را به یک دیگر وصل کنید. (دو کلمه اضافی است.)

- | | |
|-----------|----------|
| (۱) ترقّی | * حجرات |
| (۲) مهجور | * نصایح |
| (۳) تنفّر | * معلوم |
| (۴) اخلاص | * مقررّ |
| (۵) قرائت | * قاری |
| (۶) نصیحت | * نفرت |
| (۷) عمل | * هجر |
| (۸) مفید | * مخلص |
| (۹) طبیعت | * طبع |
| (۱۰) حجره | * فواید |
| | * معمول |
| | * مترقّی |

۳- در هر یک از عبارت های زیر آرایه درست را بیابید.

(۱) نار خندان، باغ را خندان کند صحبتِ مردانت از مردان کند (تشخیص - تشبیه)

(۲) همان قدر که از بازی کردن لذت می برد، از حلّ مسائل ریاضی، خواندن جغرافیا و علوم به وجد می آمد. (کنایه - تناسب)

(۳) کلاس درس را نیز مثل گشت و گذار در صحراها و باغ ها دوست می داشت. (تشبیه - کنایه)

۴- درستی یا نادرستی جمله های زیر را مشخص کنید. درست نادرست

(۱) مسند کلمه ای است که بعد از حرف اضافه می آید.

(۲) بیت «نارِ خندان، باغ را خندان کند / صحبتِ مردانت از مردان کند» از مولوی است.

(۳) «گزاردن» به معنای نهادن و قرار دادن و «گذاردن» به معنای ادا کردن است.

(۴) در جمله «او طبیعت را دوست داشت» واژه «دوست» مسند است.

(۵) متن «شوق خواندن» اثر محمد ناصری است.

۵- در عبارت های زیر «مسند» را مشخص کنید.

(۱) علامه محمد تقی جعفری، از همان کودکی کنجکاو و دقیق بود.

(۲) آه من شد سرد و دل گرم از فراق

(۳) نام بعضی نفرات رزق روحم شده است.

۶- عبارت زیر نشان دهنده کدام ویژگی علامه محمد تقی جعفری است؟

«حجره ای ساده و کوچک نصیب او شد. حجره ای که فضای آن بیش از شش متر مربع نبود و گلیم کهنه و ساده ای کف آن را پوشانده بود. حجره ای که برای محمد تقی از همه دنیا بزرگ تر بود.»

(۱) ساده زیستی و قناعت (۲) فروتنی و تواضع

۱- واژه های مترادف را به یکدیگر وصل کنید. (چهار واژه در ستون چپ اضافی است).

-----	-----
* خبر خوش	(۱) نوید *
* زشت	(۲) عجوز *
* می شنوم	(۳) شنیدستم *
* دوری	(۴) شاعره *
* شاعر زن	(۵) نوابغ *
* روزی	(۶) فراغت *
* آسایش	(۷) رزق *
* تیز هوشان	
* شنیده ام	
* پیرزن	
* شعر خوانی	

۲- معنی ابیات زیر را بنویسید.

(۱) به جان زنده دلان، سعدیا، که ملک وجود نیرزد آن که دلی را ز خود بیازاری

(۲) رام تو نمی شود زمانه رام از چه شدی؟ رمیدن آموز

(۳) مَندیش که دام هست یا نه بر مردم چشم، دیدن آموز

۳- درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید. درست نادرست

(۱) در ترکیب « مقام معظم رهبری»، واژه مشخص شده به معنای بزرگوار است.

(۲) در عبارت «وقت هر دلتنگی / سویشان دارم دست» واژه مشخص شده به معنای غمگین بودن است.

۴- عبارت زیر را در مورد « علی اسفندیاری» با انتخاب درست، کامل کنید.

« نام شعری او (گلشن آزادی - نیما یوشیج) است. از آثار او می توان به (افسانه - خانه ای برای شب)،
(کوچه باغ آسمان - ای شب) و « قصه رنگ پریده» اشاره کرد. از او به عنوان پدر شعر نو یاد می شود.»

۵- درباره شهریار به سؤالات زیر پاسخ دهید.

(۱) نام اصلی او چیست؟

(۲) به چه زبان هایی شعر می سرود؟

(۳) مهم ترین اثرش چه نام دارد؟

۶- در هر عبارت، آرایه های خواسته شده را بیابید و توضیح مختصر دهید.

(۱) شو روز به فکر آب و دانه هنگام شب آرمیدن آموز (تضاد - تناسب)

(۲) پدر از پروین، همچون مرواریدی در صدف، با دقت مراقبت می کرد. (تشبیه - تناسب)

(۳) گرفتم آن گل و کردم خمیری خمیری نرم و نیکو، چون حریری (تشبیه)

۷- در عبارت های زیر، فعل ها را بیابید و زمان هر یک را بنویسید.

(۱) همه گل های عالم آزمودم ندیدم چون تو و عبرت نمودم

(۲) اگر با او همسفر می شدی، در طول راه، تلاوت زیبای قرآن او را می شنیدی. ورزش می کرد و به فوتبال علاقه مند بود.

(۳) اگر انسان در برابر دشواری ها بایستد، بر آن ها چیره می شود، البته باید صبر و طاقت را از دست نداد و هیچ گاه ناسپاسی نکرد.

(۴) به جان زنده دلان، سعدیا، که ملک وجود نیرزد آن که دلی را از خود بیازاری

۸- فعل «می خواند» بر زمان و فعل « می خواند » بر زمان دلالت دارد.

۹- در عبارت های زیر، مفهوم قسمت های تعیین شده را بنویسید.

(۱) به جان زنده دلان، سعدیا، که ملک وجود نیرزد آن که دلی را ز خود بیازاری

(۲) نیما با کنجکاوی به دهان معلّم چشم دوخته

(۳) وقت هر دلتنگی / سویشان دارم دست

۱۰- نمودار قالب شعری قطعه را رسم کنید و دو تن از شاعران معروف این قالب را نام ببرید.

< ویژگی های فعل (۲)

همان طور که در درس پیش اشاره شد، فعل ها ویژگی هایی دارند. در درس گذشته در مورد ویژگی زمان گفتیم و در این درس به ویژگی های «شخص» و «شمار» خواهیم پرداخت.

شخص: در زبان فارسی سه شخص وجود دارد: ۱- اول شخص یا گوینده یا متکلم ۲- دوم شخص یا شنونده یا مخاطب ۳- سوم شخص یا شخص دیگر یا غایب

شمار: در زبان فارسی «شمار» بر دو نوع است: یک (مفرد) و بیش از یک (جمع).

با توجه به موارد بالا، هر فعل دارای شش ساخت می باشد.

شمار	شمار	شخص
جمع	مفرد	اول شخص
جمع	مفرد	دوم شخص
جمع	مفرد	سوم شخص

اکنون از مصدر « رفتن » فعل را در زمان گذشته (ماضی ساده) صرف می کنیم.

جمع	مفرد	شخص
رفتیم	رفتم	اول شخص
رفتید	رفتی	دوم شخص
رفتند	رفت	سوم شخص

* نکته ...

۱- مصدر، کلمه ای است که بر انجام گرفتن کار یا روی دادن حالتی دلالت دارد.

۲- مصدرها همواره به حرف (ن) ختم می شوند.

۳- مصدرها بر خلاف فعل، شخص و شمار و زمان ندارند.

سوالات تشریحی سال هفتم (درس ۱۱)

۱- معنی واژه های مشخص شده در عبارت های زیر را بنویسید.

- (۱) شهید رجایی، معلّمی متواضع و صمیمی و در کارش بسیار دقیق و منظم و جدّی بود.
- (۲) من خودم را موظفمی دانم که برای خیر و صلاح شما تلاش کنم.
- (۳) به توصیه های من عمل کنید و تکالیف تعیین شده را به انجام برسانید.
- (۴) برای زیارت حرم مطهر حضرت معصومه (س) دم در صحن شما تلاش کنم.
- (۵) وقتی از پیدایش این خصلت در ایشان از او سؤال می شد، می گفت: « من این نظم را از آقای بهشتی یاد گرفته ام ».
- (۶) مصطفی خودش را کنار دیوار کشاند تا از هجوم باد در امان باشد.

۲- کاربرد معنایی واژه « عهد » را در عبارت های زیر مقایسه کنید.

- (۱) گر از عهد خردیت یاد آمدی که بیچاره بودی در آغوش من
- (۲) در آغاز سال تحصیلی با شاگردانش عهد و پیمانی داشت.

۳- کلمه های هم خانواده را به یکدیگر وصل کنید. (در ستون سمت چپ سه کلمه اضافی است.)

.....	
۱- منظم *	* معابر
۲- مصمم *	* اصلح
۳- موظف *	* مکلف
۴- توصیه *	* نیکی
۵- تکالیف *	* اوصیا
۶- صلاح *	* تصمیم
۷- مطهر *	* طاهر
۸- خصلت *	* وظایف
۹- عابر *	* نظام
۱۰- موج *	* خصال
۱۱- عهد *	* مواج
	* اسلحه
	* معاهده
	* مخلص

۴- در عبارت های زیر، آرایه های خواسته شده را بیابید و جایگاه کاربرد آنها را مشخص کنید.

(۱) یکباره موج جمعیت، رجایی را از جا کند و برد و برد. (تشبیه - تکرار)

(۲) رفتار او با دانش آموزان چنان بود که بعد از دانش آموختگی رشته دوستی را قطع نمی کردند. (تشبیه - مراعات نظیر)

۵- جدول زیر را کامل کنید.

شمار	شخص	زمان	فعل
			رفته بودند
جمع		گذشته	
			آمده ایم
	دوم شخص	حال	
			بفروشند
			می گذشتم
	اول شخص	آینده	
			می یابی

۶- با توجه به عبارت روبه رو، به سؤالات پاسخ دهید. «بی دست هم می شود زندگی کرد ولی بی مردم نمی شود.»

(۱) در این جمله به چه موضوعی تأکید شده است؟

(۲) این جمله از چه کسی نقل شده است؟

ضمیر: کلمه ای است که جانشین اسم می شود و از تکرار آن در جمله جلوگیری می کند.

ضمیرها انواعی دارند که در این کتاب با ضمیرهای شخصی آشنا می شویم.

ضمیرهای شخصی خود به دو دسته تقسیم می شوند:

۱- ضمیر گسسته یا منفصل: ضمیری هستند که بر اشخاص دلالت می کنند و به صورت مستقل به کار می روند و از آن جایی که در فارسی سه شخص (اول، دوم و سوم شخص) و دو شمار (مفرد و جمع) داریم، ضمیرهای شخصی نیز شش ساخت دارند که در جدول مقابل، آن ها را مشاهده می کنید.

شخص	مفرد	جمع
اول شخص	من	ما
دوم شخص	تو	شما
سوم شخص	او	ایشان (آن ها)

مثال « من به مدرسه رفتم.

مثال « او خوشحال بود و همین احساس، او را گرم می کرد.

۲- ضمیر پیوسته یا متصل: این ضمایر نیز مانند ضمیرهای گسسته شش ساخت دارند

اما بر خلاف ضمیرهای گسسته به کلمه قبل از خود می چسبند. در جدول مقابل، ضمایر پیوسته را مشاهده می کنید.

شخص	مفرد	جمع
اول شخص	مَ -	مانَ -
دوم شخص	تَ -	تانَ -
سوم شخص	شَ -	شانَ -

مثال « تکالیفم را انجام دادم.

مثال « به گفتار پیغمبرت راه جوی

* نکته... کلمه ای را که ضمیر به آن برمی گردد، مرجع ضمیر می گویند.

مثال « علی به مدرسه رفت. او در مدرسه درس خواند.

مرجع ضمیر ضمیر گسسته سوم شخص مفرد

* نکته: از آن جایی که ضمیرها جانشین اسم می شوند، پس نقش های مختلفی را در جمله بر عهده می گیرند.

مثال « او خوشحال بود و همین احساس او را گرم می کرد.

نهاد مفعول

۱- کلمه های مترادف را به یکدیگر وصل کنید. (در ستون سمت چپ چهار کلمه اضافی است).

.....	
* رها	۱) اخلاص *
* رهبر	۲) مقتدا *
* وسیع	۳) لیاقت *
* خلاصه شده	۴) گرایش *
* پاک دلی	۵) توسعه *
* شایستگی	۶) گیتی *
* وسعت دادن	۷) توسعه *
* رهایی	۸) تمدن *
* رغبت	۹) رستگاری *
* شامل	
* تاریخی	
* دنیا	
* شهر نشینی	

۲- معنای کلمه های مشخص شده را بنویسید.

- ۱) بُوی در دو گیتی ز بد رستگار
۲) بر این، زادم و هم بر این، بگذرم
۳) عمده از آن ایرانیان است.
۴) اسلام آیین و قانونی است.

۳- در عبارت های زیر، آرایه های خواسته شده را بیابید و آن ها را مشخص کنید.

(۱) ادبا و عرفا و سخنوران ایرانی، حقایق اسلامی را با جامهٔ زیبای شعر و نثر فارسی به زیباترین شکل، آرایش داده اند (مراعات نظیر - تشبیه)

(۲) چو خواهی که یابی ز هر بد، رها سر اندر نیاری به دام بلا (تشبیه - کنایه)

(۳) بر این، زادم و هم بر این، بگذرم چنان دان که خاک پی حیدرم (تشبیه - تضاد)

(۴) در آثاری مانند مثنوی، گلستان، دیوان حافظ و آثار نظامی مفاهیم اسلامی و قرآنی موج می زند. (کنایه - مراعات نظیر)

۴- در عبارت های زیر، ضمیرها را پیدا کنید و نوع (گسسته - پیوسته) هر یک را بنویسید.

(۱) مصطفی خودش را کنار دیوار کشاند تا از هجوم باد در امان باشد.

(۲) عابران بی توجه به او، در حالی که سعی می کردند زودتر خود را به جای گرمی برسانند، از کنارش می گذشتند.

(۳) گر از عهد خردیت یاد آمدی که بیچاره بودی در آغوش من

(۴) دعای مادرم در حق من مستجاب شد و مرا بدین جای رسانید.

۵- در عبارت های زیر ضمیر را بیابید و مرجع ضمیر را مشخص کنید.

(۱) به شهید رجایی گفتیم: «اگر این وضع ادامه پیدا کند، دست و پای سالم برایتان باقی نخواهد ماند.»

(۲) معلّم خواندن را تمام می کند و با قدم های شمرده پشت میزش می رود و می نشیند.

۶- با توجه به بیت زیر، به سؤالات پاسخ دهید.

«اگر چشم داری به دیگر سرای به نزد نبیّ و وصی، گیر جای»

(۱) منظو از قسمت مشخص شده چیست؟

(۲) منظور از «چشم داشتن» چیست؟

(۳) منظور از کلمه «وصی» در این شعر، چه کسی است؟

درس نامه درس ۱۳ اُسوة نیکو

در درس های گذشته در مورد ویژگی زمان فعل توضیح دادیم؛ در این درس به یکی از این زمان ها یعنی مضارع (حال) بیشتر می پردازیم و با نحوه ساخت یکی از انواع آن (مضارع اخباری) بیشتر آشنا می شویم.

فعل مضارع اخباری (ساده): به انجام کار یا روی دادن حالتی در زمان حال دلالت دارد.

نحوه ساخت فعل مضارع اخباری (ساده): می + بن مضارع + شناسه

می: جزئی است که در ابتدای فعل مضارع اخباری (ساده) به کار می رود.

بن مضارع: قسمت اصلی ساختمان فعل مضارع است و بخش ثابتی است که در تمام ساخت ها

(صیغه ها) وجود دارد.

روش ساختن بن مضارع: کافی است مصدر مورد نظر را امری کنیم و سپس حرف ب را از ابتدای آن حذف کنیم.

مصدر <--- امری <--- حذف ب == <--- بن مضارع

امری حذف «ب»

مثال « رفتن <----- برو <----- رو

شناسه: جزئی است که به انتهای فعل می چسبد و شخص و شمار فعل را مشخص می کند.

اکنون از مصدر رفتن فعل را در زمان مضارع صرف می کنیم:

اول شخص مفرد می + رو + م <--- می روم

دوم شخص مفرد می + رو + ی <--- می روی

سوم شخص مفرد می + رو + د <--- می رود

اول شخص جمع می + رو + یم <--- می رویم

دوم شخص جمع می + رو + ید <--- می روید

سوم شخص جمع می + رو + ند <--- می روند

۱- در عبارت های زیر معنی کلمه های مشخص شده را بنویسید.

- (۱) با فرزندان خود به مهر و عطوفت رفتار می کرد.
- (۲) درباره کسانی که به حریم قانون تجاوز می کردند، گذشت و مدارا نداشت.
- (۳) در تنهایی سیمایی محزون و متفکر داشت.
- (۴) چراغ از بهر کوردلان تاریک اندیش است.
- (۵) چون بانگ اذان را می شنید به نماز می رفت.
- (۶) پیامبر گرامی اسلام، محمد بن عبدالله (صَلَّ اللهُ عَلَیْهِ وَاٰلِهٖ وَسَلَّم)، در آداب و رفتار و اخلاق، اُسوة عالمیان است.
- (۷) در زندگی از تجمل دوری می جست.

۲- برای هر یک از کلمه های زیر، به تعداد خواسته شده، هم خانواده بنویسید.

- (۱) مواعظ، (۱)
- (۲) جذب،،، (۳)
- (۳) اعتدال،،، (۳)
- (۴) تجمل،، (۲)

۳- آرایه مناسب را انتخاب کنید.

- (۱) هیچ گاه زبانش را به دشنام نمی آلود. (کنایه - متضاد)
- (۲) آدم و نوح و خلیل و موسی و عیسی آمده مجموع در ظلال محمد (تشبیه - مراعات نظیر)
- (۳) ماه، فرو ماند از جمال محمد سرو، نباشد به اعتدال محمد (تشخیص - تضاد)

۴- بن مضارع مصدرهای زیر را بنویسید.

- (۱) ساختن: (۲) پرسیدن: (۳) جنگیدن: (۴) آمیختن:
(۵) پریدن: (۶) اندیشیدن: (۷) دویدن:

۵- جدول زیر را کامل کنید.

مصدر	بن مضارع	اول شخص مفرد مضارع	سوم شخص جمع مضارع
رفتن			
	رس		
		می ترسم	
			می آویزند
شکستن			

۶- درستی یا نادرستی عبارت های زیر را مشخص کنید. درست نادرست

- (۱) «سوم شخص مفرد» مصدر چرخیدن، «می چرخند» است.
(۲) فعل «می شنوید» دوم شخص جمع و زمان حال است.
(۳) واژه های مصلحت و صلاح با یکدیگر هم خانواده اند.

۷- با توجه به بیت زیر به سؤالات پاسخ دهید.

ماه، فرو ماند از جمال محمد (ص) سرو، نباشد به اعتدال محمد (ص)

- (۱) بیت دارای چند جمله است؟
(۲) فعل ها مربوط به چه زمانی هستند؟
(۳) منظور از مصراع اول چیست؟
(۴) معنای واژه مشخص شده را بنویسید.
(۵) واژه های ماه و سرو هر کدام نماد چه چیزی هستند؟

درسنامه درس ۱۴

درس گذشته با یکی از انواع فعل مضارع آشنا شدیم. در این درس نیز با یکی از انواع فعل ماضی آشنا می شویم. فعل ماضی مطلق (ساده) : به انجام کار یا روی دادن حالتی در زمان گذشته دلالت دارد. این کار یا حالت در زمان گذشته یک بار انجام شده و تمام شده.

نحوه ساخت فعل ماضی مطلق (ساده) : بن ماضی + شناسه

بن ماضی: جزء اصلی ساختمان فعل ماضی است که در تمام ساخت ها (صیغه ها) به یک شکل به کار می رود و شناسه نشان دهنده شخص و شمار فعل است.

حذف ن	حذف ن
مصدر -> بن ماضی	مثال) رفتن -> رفت

نکته: مصدر کلمه ای است که به حرف « ن » ختم می شود و نشان دهنده انجام کار و روی دادن حالتی اما بر خلاف فعل شخص، شمار و زمان ندارد.

شناسه: در درس گذشته با شناسه ها آشنا شدیم و متوجه شدیم که شناسه ها به انتهای فعل می چسبند و شخص و شمار فعل را نشان می دهند.

نکته... سوم شخص مفرد ماضی ساده شناسه ندارد.

شخص	مفرد	جمع
اول شخص	ـَم	یم
دوم شخص	ی	ید
سوم شخص	ندارد	ند

اکنون از مصدر رفتن فعل ماضی مطلق (ساده) را صرف می کنیم:

حذف ن

رفتن -> رفت -> بن ماضی	بن ماضی + شناسه
اول شخص مفرد	رفت + مَ -> رفتم
دوم شخص مفرد	رفت + ی -> رفتی
سوم شخص مفرد	رفت + # -> رفت
اول شخص جمع	رفت + یم -> رفتیم
دوم شخص جمع	رفت + ید -> رفتید
سوم شخص جمع	رفت + ند -> رفتند

۱- هر واژه را به معنی مناسب آن وصل کنید. (در ستون چپ سه کلمه اضافی است.)

- | | |
|-------------|---------------|
| (۱) ژبان * | * نوشتن |
| (۲) محبوب * | * درستی |
| (۳) نهضت * | * دوست داشتنی |
| (۴) مزدور * | * جنبش |
| (۵) تألیف * | * دور ساختن |
| (۶) ثواب * | * ابعاد |
| (۷) سوءظن * | * سرسپرده |
| (۸) تبعید * | * پاداش |
| (۹) غافل * | * بدگمانی |
| | * خشمگین |
| | * ناآگاه |
| | * پزمرده |

۲- معنای هر یک از واژه های مشخص شده را بنویسید.

- (۱) روی چینه دیوار ایستادم.
- (۲) خودمانیم ننه ام یک پارچه چریک بود.

۳- درستی یا نادرستی عبارت های زیر را تعیین کنید.

- | | | |
|--|-------|--------|
| (۱) «مزدور» یعنی کسی که برای انجام کاری از شخص ظالمی مزد دریافت می کند. | | نادرست |
| (۲) واژه «تظاهرات» و «اعتصاب» با یکدیگر مترادف اند. | | |

۴- عبارت زیر را در مورد محمد رضا کاتب، با انتخاب درست کلمات، کامل کنید.

«وی در سال ۱۳۴۵ در (تهران - اردبیل) به دنیا آمد و از سنین نوجوانی به داستان نویسی روی آورد.» (با بال این پرنده سفر کن-پری در آبگینه) و (دوشنبه های آبی ماه - کوچ باغ آسمان) از آثار اوست.»

۵- در عبارت های زیر، آرایه های خواسته شده را بیابید و آن ها را مشخص کنید.

(۱) باد گرم، دست خود را بر صورت و چشم هایم می کشید. انگار می خواست اشک هایم را پاک کند تا دیگران اشک هایم را نبینند. (تشخیص - مراعات نظیر)

(۲) پانزده روز مرخصی ام مثل باد گذشت. (کنایه - تشبیه)

(۳) دیگر نه میز و نیمکتی در کار بود و نه معلّمی. همه به فرمان امام در کوچه ها و خیابان ها تظاهرات می کردند و درس انقلاب را به بانگ بلند به گوش جهانیان می رساندند.

(مراعات نظیر - تشبیه)

۶- فعل های زیر را با حفظ شخص و شمار به زمان خواسته شده تبدیل کنید.

ماضی ساده

(۱) می بالند <-----

ماضی ساده

(۲) بپرستیم <-----

مضارع

(۳) جنگیدند <-----

مضارع

(۴) خواهند گریخت <-----

ماضی ساده

(۵) می ترسم <-----

ماضی ساده

(۶) خواهند گشت <-----

مضارع

(۷) شکفتند <-----

۷- با توجه به مصدرهای خواسته شده، جدول ها را کامل کنید.

شخص	مفرد	جمع	
اول شخص		چسبیدیم	۱ چسبیدن
دوم شخص			
سوم شخص			

شخص	مفرد	جمع	
اول شخص			۲ گرفتن
دوم شخص	می گیری		
سوم شخص			

شخص	مفرد	جمع	
اول شخص			۳ آمدن
دوم شخص			
سوم شخص	می آید		

۸- در عبارت های زیر مفهوم قسمت های مشخص شده را بنویسید.

(۱) تند ماچ می کردم و سرم را عقب می آوردم. آقایم که گویا بو برده بود، گفت داری دعوا می کنی یا روبوسی؟

(۲) همین طور که با صحبت هایم سرش را گرم می کردم.

(۳) ننه ام جوش آورد و جارو را توی هوا تکان داد

فعل آینده یا مستقبل: به انجام کار یا روی دادن حالتی در زمان آینده دلالت دارد.

روش ساخت فعل آینده:

بن مضارع مصدر خواستن + شناسه + بن ماضی فعل مورد نظر

بن مضارع مصدر خواستن: بن مضارع از مصدر خواستن، خواه است که همواره در تمام ساخت های فعل آینده به کار می رود.

شناسه: در درس های گذشته در مورد شناسه توضیح دادیم و گفتیم که اجزایی هستند که به انتهای فعل می چسبند و نشاند دهنده شخص و شمار فعل هستند:

شخص	مفرد	جمع
اول شخص	مَ	یم
دوم شخص	ی	ید
سوم شخص	دَ	ند

بن ماضی: در درس گذشته در مورد نحوه ساختن بن ماضی توضیح دادیم و گفتیم که با حذف حرف «ن» از انتهای مصدر بن ماضی به دست می آید.

حذف ن حذف ن

مصدر ---> بن ماضی رفتن ---> رفت

اکنون از مصدر رفتن، فعل آینده را صرف می کنیم.

حذف ن

خواه + شناسه + بن ماضی (از مصدر رفتن) رفتن -----> رفت (بن ماضی)

اول شخص مفرد	خواه + مَ + رفت	<--- خواهم رفت
دوم شخص مفرد	خواه + ی + رفت	<--- خواهی رفت
سوم شخص مفرد	خواه + دَ + رفت	<--- خواهد رفت
اول شخص جمع	خواه + یم + رفت	<--- خواهیم رفت
دوم شخص جمع	خواه + ید + رفت	<--- خواهید رفت
سوم شخص جمع	خواه + ند + رفت	<--- خواهند رفت

نماد: هر گاه کلمه ای به غیر از معنی اصلی خود نشانه و مظهر معنی دیگری باشد، به آن نماد گفته می شود.

در درس شانزدهم آدم آهنی نماد انسان های بی احساس و شاپرک نماد انسان های با عاطفه و بامحبت هستند.

داستان های رمزی و نمادین: داستان نویسان با استفاده از تخیل و آوردن شخصیت های غیر انسان، ذهن ما را وا می دارند تا شبیه آن ها را در جامعه و اطراف خود پیدا کنیم. این گونه داستان ها را «داستان های رمزی و نمادین» می گویند.

مثال:

ماه نماد زیبایی، گل لاله مظهر شهیدان، رود نماد جنبش و تکاپو، سنگ نماد بی رحمی و ...

یاد آوری:

ترکیب های وصفی و اضافی:

ترکیب: اگر واژه ای به کمک کسره (ِ) به واژه ای دیگر اضافه گردد تشکیل یک ترکیب می دهد.

ترکیب ها دو دسته هستند:

۱- اسم + اسم (مضاف + مضاف الیه) که به آنها ترکیب اضافی می گویند.

مثال: کتاب علی ، آسمان تهران، ماه فروردین و ...

۲- اسم + صفت (موصوف + صفت) که به آن ترکیب وصفی می گویند. مثال

مرد ایرانی ، آسمان آبی، گروه پیش تاز و ...

راه های شناسایی ترکیب وصفی از اضافی :

۱- افزودن پسوند «تر» به آخر کلمه دوم. چنانچه ترکیب معنادار بود ترکیب وصفی است و اگر معنی نداد ترکیب اضافی است.

مثال: گلِ زیبا + تر-- < با معنی (ترکیب وصفی است)

میزِ کلاس+ تر --< بی معنی (ترکیب اضافی است)

۲- افزودن حرف «ی» به آخر کلمه اول. اگر با معنی بود ترکیب وصفی است و اگر معنی نداشت ترکیب اضافی است.

مثال: گل + ی + زیبا --< با معنی (ترکیب وصفی است)

میز+ ی + کلاس --< بی معنی (ترکیب اضافی است)

۳- افزودن «این» به اول ترکیب و «حذف کسره» و گذاشتن «،» میان ترکیب و افزودن فعل «است» به آخر ترکیب. اگر با معنی بود ترکیب وصفی است و اگر معنی نداد ترکیب اضافی است.

مثال: این+ گل (،) + زیبا+ است --< با معنی (ترکیب وصفی است)

این+ میز(،) + کلاس + است --< بی معنی (ترکیب اضافی است)

تمرین های درس ۱۶

۱- با توجه به هر عبارت، معنای کلمه مشخص شده را بنویسید.

(۱) بعضی اوقات هم حتی با چشم نارنجی رنگش، مودیان چشمک می زد.

(۲) دوست داشتن، لفظ مناسبی برای بیان این دلبستگی نیست.

(۳) زبان فارسی، موسیقی دل نوازی است که یک عمر در گوش من خوانده شده است.

(۴) با زبان فارسی با زنان شالی کار در شالیزارهای میهنم همگام و همدست باشم.

(۵) مطمئنم که مرا بیشتر تحسین می کند.

۲- هم خانواده کلمه های زیر را به تعداد خواسته شده بنویسید.

(۱) تحقیر (۲) (۲) تقدیر (۲)

(۳) طراحي (۳) (۴) تحسین (۳)

۳- متن زیر را در مورد داستان آدم آهنی و شاپرک کامل کنید.

«آدم آهنی و شاپرک برگرفته از کتاب که نویسنده آن است.»

۴- آرایه های بارز هر عبارت را بنویسید و توضیح مختصر دهید.

(۱) مردم حرکات جالب بازوان آهنینش و سر جعبه ماندنش را با تعجب نگاه می کردند.

(۲) زبان فارسی، موسیقی دل نوازی است که یک عمر در گوش من خوانده شده و دلم را به وجد آورده است.

(۳) ... نسیم مهربان لالایی آن ها را، مانند پری لطیف که بر گونه من کشیده می شود، لمس می کنم.

(۴) دل آدم آهنی گرفت. احساسی که تا آن موقع به او دست نداده بود.

(۵) آدم آهنی، با شجاعت، بادی در گلو انداخت.

۵- فعل های زیر را با حفظ شخص و شمار به آینده تبدیل کنید.

- (۱) می بوییم: (۲) می خواندند: (۳) می لرزند:
(۴) می سرودند: (۵) می آید: (۶) می خواهی:

۶- با توجه به عبارت های داده شده، جدول را کامل کنید.

(۱) دوست داشتن، لفظ مناسبی برای بیان این دلبستگی نیست.

(۲) با زبان فارسی اندرز استادان اخلاق را می شنوم.

(۳) آدم آهنی، بادی در گلو انداخت.

	نهاد	مفعول	متمّم	مسند	فعل
جمله ۱					
جمله ۲					
جمله ۳					

۷- مفهوم نهایی هر یک از عبارت های زیر را بنویسید.

- (۱) خوب از آب درنیامدن: (۲) دل سپردن:
(۳) دل کندن: (۴) گرفتن دل:

« ساختمان واژه (ساده - غیر ساده) »

واژه ها در زبان فارسی از نظر ساخت به دو دسته تقسیم می شوند:

۱- واژه ساده:

دارای یک جزء است. و نمی توان آن را به دو یا چند بخش معنی دار تقسیم کرد، به عبارت دیگر یک واژک است و از دو یا چند بخش ترکیب نشده است.

مانند:

میز، کتاب، سر، دل، انسان، صیاد، کلاغ، شتاب، آسیب و ...

۲- غیر ساده:

کلماتی هستند که بیش از یک جزء دارند و به دو جزء یا بیشتر می شوند.

مانند:

خوبی، رفتار، کتابخانه، روزنامه فروشی، بزرگسال، بیمناک و ...

کلمات غیر ساده خود به سه قسمت تقسیم می شوند:

الف) وندی ب) مرکب ج) وندی مرکب

الف) وندی:

واژه ای است که از یک جزء معنا دار و یک یا چند جزء معنا ساز (وند) تشکیل می شود.

مانند: دانش - < دان (جزء معنا دار) + - ش (جزء معنا ساز)

دبیرستان - < دبیر (جزء معنادار) + ستان (جزء معنا ساز)

ب) مرکب:

واژه ای است که از دو یا چند بخش مستقل و معنادار ساخته شده است و هیچ جزء معناسازی در ساختمان این گونه کلمات وجود ندارد.

- گلبرگ -> گل (معنادار) + برگ (معنادار)

- آب انبار -> آب (معنادار) + انبار (معنادار)

- چهلچراغ -> چهل (معنادار) + چراغ (معنادار)

ج) وندي - مرکب:

کلماتی هستند که حداقل از دو جزء معنادار و مستقل و حداقل یک جزء معناساز (وند) تشکیل شده اند. مانند:

- ورزش کار -> ورزش (بن مضارع از ورزیدن، جزء معنادار) + کار (معناساز) + کار (جزء معنادار)

- جوانمردانه -> جوان (جزء معنادار) + مرد (جزء معنادار) + انه (جزء معناساز)

- کشت و کار -> کشت (بن ماضی از کشتن، جزء معنادار) + و (جزء معناساز) + کار (معنادار)

۱- کلمه های هم معنی را به یکدیگر وصل کنید. (در ستون سمت چپ دو کلمه اضافی است.)

.....	
*(۱) قرین *	*(بی نصیب)
*(۲) لغو *	*(نزدیک)
*(۳) سماجت *	*(رازها)
*(۴) ترحیم *	*(صد سال)
*(۵) ابدی *	*(باطل)
*(۶) آسرار *	*(پافشاری)
*(۷) محروم *	*(همیشگی)
	*(مرحوم)

*(طلب آمرزش کردن)

۲- ابیات و عبارت زیر را به نثر روان بازنویسی کنید.

- (۱) دلم در آتش غفلت مسوزان به معنی، شمع جانم برفروزان
- (۲) کنون، گر دست گیری، جای آن هست که گر دستم نگیری، رفتم از دست
- (۳) این حرکت شکوهمند نمادین، چیزی بود که برای همه عمر به باد آن ها می ماند و در ذهن آن ها نقش می بست.

۳- عبارت زیر را در مورد داستان «ما می توانیم» کامل کنید.

«این داستان نوشته است که از مجموعه داستان نقل شده است.»

۴- «قوی سفید»، ترجمه است.

۵- عبارت زیر را در مورد خواجوی کرمانی با انتخاب صحیح تکمیل کنید.

«کمال الدین محمود معروف به خواجوی کرمانی با انتخاب صحیح تکمیل کنید.

«کمال الدین محمود معروف به خواجوی کرمانی، از شاعران معروف قرن (پنجم - هفتم) و (ششم - هشتم) است. از آثار گل و نوروز در قالب (مثنوی - غزل) و به پیروی از (خسرو و شیرین نظامی - بوستان سعدی) سروده شده است.»

۶- در هر یک از عبارت های زیر، آرایه های خواسته شده را بیابید و آن ها را مشخص کنید.

- ۱) دلم در آتش غفلت مسوزان به معنی شمع جانم برفروزان (تشبیه)
- ۲) کنون، گر دست گیری، جای آن هست که گر دستم نگیری، رفتم از دست (تکرار - کنایه)
- ۳) روزها پشت سر هم می گذرند، جوان ها پیر می شوند و پیرها ضعیف و ناتوان. (تضاد)

۷- کلمات ساده و غیر ساده را مشخص کنید.

«بازرس - خوشمزه - شکوهمند - گودال - برادر - مدرسه - ورقه - قورباغه - روان شناس - مشورت - تجربه - کاغذ - فرمان - خوبی - آتش - غفلت - نزدیک»

۸- اضافی یا وصفی بودن ترکیب های زیر را مشخص کنید.

«شمع جان - آتش غفلت - حق نیک مردان - احوال بد - رنگ پریده - ارزن پخته - انعام زیاد - لبخند پسر - کفش های نو - شیروانی خانه - مأمور شاه»

۹- نقش دستوری کلمه های مشخص شده را بنویسید.

- ۱) موشکافی، هنر نمی باشد چشم از عیب دوختن، هنر است
- ۲) مکن ما را از این درگاه، محروم چو گنجشکان، مران ما را ازین بوم
- ۳) دلم در آتش غفلت مسوزان به معنی، شمع جانم برفروزان

۱۰- در ابیات زیر مفهوم قسمت های مشخص شده را بنویسید.

(۱) کنون، گر دست گیری، جای آن هست که گر دستم نگیری، رفتم از دست

(۲) مکن دورم ز نزدیکان درگاه به راه آور مرا، کافتادم از راه

